



دستور سلوکی علامه حسن‌زاده آملی به سیدحسن امین

امین ضمن تجلیل از شخصیت علامه حسن‌زاده آملی به ذکر ماجرای دستور سلوکی علامه برای خود پرداخت.

امین ضمن تجلیل از شخصیت علامه حسن زاده آملی؛rm& ذکر ماجرای دستور سلوکی علامه برای خود پرداخت.

به گزارش ایکن، سیدحسن امین، استاد سابق کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالیدونیان و از شاگردان آیت الله حسن زاده آملی در پیامی تصویری به ذکر خاطره ای از استاد خود پرداخت.

متن سخنان او از نظر می گذرد؛

استاد ما علامه حسن حسن زاده آملی به رحمت خدا رفت. مرگ یک امر کاملاً طبیعی و ارتحال ایشان هم یک مسئله قابل پیش بینی بود. آنچه مهم است این است که مردانی در رده و در سطح علامه حسن زاده آملی از اسوه های حسنه نوع بشر و از افتخارات جهان اسلام هستند. وقتی که ما زندگینامه فیلسوفان و حکیمان و عارفان بزرگ پیشین را می خوانیم با خودمان می گوئیم آن نسل، آن بزرگان قابل تکرار نبودند. با شناخت علامه حسن زاده آملی برآیم که اینها در وجود چنین شخصیت بزرگی تکرار شد. برای شخص من که منظومه حکیم سبزواری را خواندم و کتابی مستقلی با نام احوال و آثار حکیم سبزواری نوشتم و دیوان حاج ملاهادی را تصحیح و چاپ کردم، شخص شخیص و نفس نفیس علامه حسن زاده یادآور ویژگیهایی است که در تاریخ برای حکیم سبزواری نوشتند.

من این افتخار را داشتم شاگرد اسفار آقای حسن زاده بودم، در روزگاری که ایشان هنوز معروف نبودند و من و تعداد دیگری از طلاب و دانشجویان سعادت استفاده از محضر ایشان را داشتیم. در همان پیش از انقلاب برای اولین بار در مجله سخن به مدیریت پرویز خانلری که بهترین مجله روشنفکری علوم انسانی در ایران بود نام و یاد استاد حسن زاده را به عنوان یکی از مدرسان بزرگ حکمت و عرفان در حوزه علمیه آوردم. همچنین برخی از نامه های ارزنده ایشان را به مجله وحید که به دست سیف الله وحیدنیا چاپ می شد دادم و مقدمه ای در معرفی استاد نوشتم.

رابطه ویژه من با علامه حسن زاده از تدریس و تدریس و از کسب علم از محضر ایشان در رشته فلسفه فراتر رفت. من احوالی که در عالم خودم و در سلوک داشتم خدمت ایشان عرض می کردم و از رهنمودهای ایشان بهره مند می شدم. مهمترین چیزی که در زندگی من در خارج کشور اتفاق افتاد این بود؛ هنگامی که پس از دیدار امام موسی صدر از بیروت به دمشق رفتم، آخرین شبی که می خواستم با حضرت زینب(س) وداع کنم، احدی در زینبیه نبود و من با تجسد روحی که برایم مجسم شد مواجه شدم و آن روح به من چیزی داد که واقعا فیزیکی بود و نمی توانستم بگویم تخیل من بوده است. من این تجربه روحی را برای علامه حسن زاده نوشتم و از ایشان راهنمایی خواستم و ایشان دستور سلوکی به من دادند که یکی از بهترین یادگارهای من از استادانم است. آن را بعداً خود علامه در کتاب «منشآت» درج کردند. خود من هم آن نامه ارزنده را در مجله کلک چاپ کردم و این یادگاری آن مرد فرد برای من است. روح بزرگش شاد.